

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۳ اگست ۲۰۱۹

گشت و گذاری در فیسبوک پاسخ به یک پرسش

پرسش: دوستان گرامی توفان، ماهیت این جنگ احتمالی بین امریکا و ایران را چگونه ارزیابی می‌کند؟ اگر ماهیت هر دو گروه دولت درگیر ارتجاعی و ضد مردمیست، آنوقت چه مخالفتی به شعار نه به امریکا جنگ و نه به ارتجاع داخلی دارید؟ چرا در این صورت «جبهه مستقل سوم» پاسخ به این اوضاع نمی‌تواند باشد؟

پاسخ: دوست عزیز باید هر مقوله‌ای را به طور مشخص مورد نقد و تجزیه و تحلیل قرار داد، تا بتوان نتایج مترتب بر آن را بیرون کشید. مقوله خلق‌های تحت ستم در ارتباط با مقوله ستمگری امپریالیسم و الحاق تعریف می‌گردد. آیا باید از خلق‌های تحت ستم برای رهایی دفاع کرد یا نه؟ این که تکنیک کمونیست‌ها چه باشد، بحث دیگری است. جنگ امپریالیستی جنگی ارتجاعی برای تقسیم مجدد جهان و کسب اشغال سرزمین‌های جدید و مواد خام است. جنگ رهایی‌بخش جنگی دفاعی برای کسب استقلال است. تکنیک و نوع برخورد با این دو مقوله باید متفاوت باشد، در غیر این صورت به دگماتیسم درخواهیم غلتید. متأسفانه همین درک غلط از مقولات است، که عده‌ای از جریان‌های سیاسی جنگ احتمالی و تجاوزکارانه علیه ایران را از هر دو سو ارتجاعی ارزیابی می‌کنند و مدام جنگ جهانی اول را مثال می‌آورند؛ یعنی رژیم‌های سرمایه‌داری ایران و عراق در دوره صدام حسین را.... امپریالیستی همانند روسیه ۱۹۱۷ می‌پندارند و ساز «جبهه سوم و جنگ را به جنگ داخلی» تبدیل کنیم راه می‌اندازند، بدون این که قادر باشند یک تحلیل درست سیاسی، اقتصادی و منطقی ارائه دهند. نوع برخورد ما به اشغال عراق، افغانستان و لیبیا و.... احتمالاً سوریه و ایران اگر مبتنی بر درک درست از ماهیت امپریالیسم و جنگ برای مواد خام و سرکردگی بر دیگر رقبای امپریالیستی نباشد، به نتایجی می‌رسیم که اپوزیسیون مرتجع عراق، افغانستان، لیبیا رسید و این فاجعه‌بار است.

تجاوز نظامی به عراق، افغانستان، لیبیا، احتمالاً ایران دارای یک ماهیت است. این جنگ از طرف امپریالیست‌ها به طور مشخص امریکا برای تصاحب مواد خام، نفت و گاز و ایجاد پایگاه‌های نظامی و کنترل رقبای تازه نفس نظیر چین و یا اتحادیه اروپا است. همه اینها به منظور حل بحران امپریالیستی است، که اگر به صورت منطقه‌ای حل نگردد، در نهایت امکان رودر رویی امپریالیست‌ها و جنگ جهانی منتهی نیست. حل بحران امپریالیستی با ویران‌سازی زیربنای کشورهای مثل عراق، ایران، لیبیا و افغانستان و غیره... با خاک یکسان کردن این ممالک و نابودی میلیون‌ها نفر از مردم محروم و زحمتکش و فرار موج میلیونی انسان‌ها به بیرون از کشور انجام می‌گیرد. پس این تجاوز محکوم است، باید مانع این تجاوز جنایت‌کارانه شد. ماهیت این جنگ از طرف امریکا تجاوزکارانه و غیر عادلانه و نقض حق ملل در

حق تعیین سرنوشت خویش است. از اینرو ماهیت چنین جنگ تجاوزکارانه‌ای ارتجاعی است. دفاع عراق، افغانستان، لیبیا، سوریه، یمن، لبنان، فلسطین و احتمالاً ایران... اگر حتماً در چهارچوب منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل مورد ارزیابی قرار دهیم، جنگی دفاعی و عادلانه است. ماهیت جنگ را نمی‌توان صرفاً با توسل به ماهیت سیاسی رژیم‌ها مورد تبیین قرارداد. اگر چنین باشد، آنوقت نمی‌توان ماهیت جنگ دولت فرانسه علیه ارتش متجاوز و فاشیست هیتلر را عادلانه ارزیابی کرد، زیرا دولت فرانسه نیز ماهیتش امپریالیستی و ارتجاعی بود. برای پی‌بردن به ماهیت جنگ باید به اهداف سیاسی، اقتصادی جنگ پی‌برد، نه ماهیت دولت‌ها.

حزب ما تحریم اقتصادی علیه ایران را غیرقانونی و نقض حقوق ملل ارزیابی می‌کند. تهدید و تجاوز احتمالی به ایران اقدامی تجاوزکارانه و ارتجاعی و نقض حقوق ملل است. پس اگر چنین است، آنوقت باید تکنیک سیاسی در چنین جنگی را قبل و بعد از بروز جنگ تعیین کرد و مردم را حول شعارهای روشن ضد تجاوز و ضد استعمار و ضد امپریالیستی بسیج کرد. شعار «دست‌ها از ایران کوتاه باد!» و «نه به تجاوز امپریالیستی به ایران» شعارهای بازدارنده و صحیح و انقلابی قبل از وقوع جنگ است. این نقض تمام کنوانسیون‌های بین‌المللی و نقض قوانین خودساخته ملل متحد است و باید محکوم گردد. حال اگر بر فرض مثال تجاوز به ایران صورت گیرد، این مردم ایران به ویژه محروم‌ترین اقشار جامعه هستند که آسیب می‌بینند. این تجاوز ابتداء زمینی نیست، بلکه یک تجاوز مهیب و ویرانگر هوایی با بمب‌افکن‌های غول پیکر است. آن قدر ایران را از هوا می‌کوبند، تا با خاک یکسان شود، تا سرانجام رژیم سرنگون گردد و رژیمی ارتجاعی‌تر، اما نوکر امریکا بر مسند قدرت بنشینند. تازه در اینجاست که مقاومت در روی زمین آغاز می‌گردد. حال در این شرایط چه باید کنیم؟ نیروهای پیشرو و در رأس آن کمونیست‌ها، باید همه مردم ایران را به مقاومت در مقابل متجاوزان و نوکران‌شان دعوت کنند و در جبهه‌ای ملی و میهنی در مقابل اشغالگران بجنگند. باید دشمن اصلی و متجاوز خارجی را مورد هدف قرار داد و به دیگر نیروهای مسلح، که خواهان مقاومت در مقابل متجاوزان هستند، اعلان آتش‌بس داد. شعار ما این است: «تمام سلاح به سوی دشمن متجاوز خارجی و بیرون‌ریختن اشغالگران از خاک ایران و کسب استقلال ملی». تنها در این بستر مبارزه است که کمونیست‌ها می‌توانند قدم به قدم اعتماد مردم را به دست آورند و سرانجام با حل مسأله ملی به مسأله داخلی و مطالبات مردم پاسخ گویند. در اینجا جبهه سومی وجود ندارد تا بخواهیم در موردش به قضاوت بنشینیم. «جبهه سوم» یک شعار موهومی و ظاهراً «چپ» است، اما در واقعیت امر معنایی جز این ندارد که صلا‌دهندگان این شعار هدف‌شان سرنگونی رژیم در شرایط حمله نظامی به ایران است. از آنجا که این گروه‌ها خود فاقد نیروی اجتماعی‌اند، آنوقت مجبور اند از ارتش متجاوز امریکا مدد گیرند، تا دشمن اصلی را که جمهوری اسلامی است، براندازند. این ارتش امریکاست که توان برانداختن رژیم را دارد، نه سازمان‌های چند نفره، که فاقد نیرو و توان و نفوذ اجتماعی‌اند. این سازمان‌ها در پارکابی امپریالیسم علیه رژیم خواهند جنگید. اینان ظاهراً یک تیر به سوی ارتش امریکا و یک تیر به سوی ارتش ایران رها می‌کنند، تا صف مستقل خود را به نمایش بگذارند! ما نمونه چنین جبهه‌های موهومی سوم را در عراق و سایر ممالک نظیر دیدیم، دیدیم که این شعارها توخالی بودند و این سازمان‌های اپوزیسیون عملاً به چرخ دنده‌های امپریالیسم بدل شدند و نقش ارتجاعی ایفاء کرده‌اند. حزب «کمونیست» عراق در آستانه تجاوز به عراق با شعار «نه به جنگ و نه به صدام» به استقبال حمله ارتش امریکا به عراق رفت و عملاً سرنگونی رژیم عراق را به فال نیک گرفت و به پایکوبی پرداخت. امروز حزب توده رویونیست نیز همین شعار «نه به این و نه به آن» را ساز کرده است، تا همانند حزب برادرش در پارکابی امریکا رژیم ولایت فقیه را براندازد و ایران را دمکراتیزه کند!

در صورت وقوع جنگ فقط دو جبهه وجود دارد، جبهه مقاومت همه مردم علیه قوای اشغالگر و جبهه مدافعان اشغالگران. تنها در بستر یک مقاومت عمومی ضد تجاوز است که حزب طبقه کارگر می‌تواند به بسیج توده مردم علیه متجاوزان به وظیفه‌اش جامه عمل پوشد و با کسب رهبری جنبش رهائی‌بخش و حل مسئله ملی، سوسیالیسم را در ایران مستقل بنا نهد. راهی جز این راه برای رهائی متصور نیست.